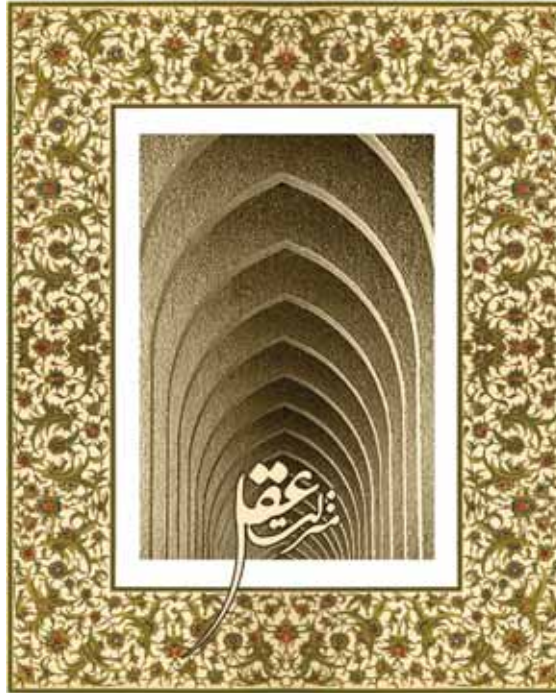


اهتمام به فلسفه
مطلق و جهان‌بینی
الهی تنها برای
تأمین هستی
موضوعات سایر
علوم نبوده و
منحصر به تأمین
مهم‌ترین مبادی
تصدیقی دانش‌های
استدلالی نیست؛
بلکه سرشت علوم
اسلامی و سرنوشت
آن‌ها مرهون فلسفه
مطلق است؛ زیرا
برجسته‌ترین
خدمتی که
فلسفه الهی به
علوم استدلالی
می‌کند این است
که اسلامی بودن
آن‌ها را تضمین و
الهی بودن آن‌ها را
تأمین می‌نماید و
این علوم استدلالی
با اتکا بر مبادی
تصدیقی خود که
مسائل فلسفه مطلق
محسوب می‌شود، از
خطر الحاد می‌رهند
و تهمت سکولار را
برنمی‌تابند.

(فصلت، ۱۲) ۵. زمین را در دو روز خلق کرد. (فصلت، ۹) ۶. و دو روز (به همان معنا) دیگر، درباره آفرینش موجودات بین آسمان و زمین است یا درباره چیز دیگری که به همین مجموع برمی‌گردد. ۷. آسمان‌ها بعد از نوظهوری و فتق از زمین به صورت دخان (دود، گاز، ...) بودند و خداوند دخان را به صورت آسمان‌های هفت‌گانه و مزین به آفتاب و ماه و راه شیری و ... درآورد: «ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ... فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ...» (فصلت، ۱۱-۱۲) ۸. گسترش زمین بعد از جریان آسمان‌ها: «وَالْأَرْضُ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا». (نازعات، ۳۰) ۹. تحقیق پیرامون تقدّم مرتبه‌ای از آفرینش و تنظیم آسمان بر مرتبه‌ای از آفرینش و تنظیم زمین. ۱۰. نگهداری آسمان‌ها بدون ستون یا بدون ستون مرئی، یعنی با ستون غیرمرئی، مانند جاذبه و... ۱۱. تأثیر سلسله جبال در استواری کره زمین از اضطراب و لرزش: «و



الجبّال أرساها» (نازعات، ۳۲) ۱۲. استقرار تمام ستاره‌های ثابت و سیار در آسمان اول. (فصلت، ۱۱-۱۲) ۱۳. درهای آسمان بر روی کفار گشوده نمی‌شود یا این که آنان سفرهای آسمانی دارند: «لَا تَفْتَحُ لَهُمِ أَبْوَابَ السَّمَاءِ». (اعراف، ۴۰) ۱۴. گسترش آسمان: «وَالسَّمَاءَ بَنِينَا بَآدٍ وَ إِنَّا لَمُوسِعُونَ». (ذاریات، ۴۷) و...
همه مطالب قرآنی درباره آفرینش نظام سپهری و تمام آنچه در احادیث معصومان (علیهم‌السلام) به ویژه حضرت امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (ع) در این زمینه آمده -به‌ویژه اولین خطبه نهج‌البلاغه- قابل تحقیق و تحلیل علمی است و هرگز صرفاً برای آیت حق بودن بیان نشدند. همچنین آنچه درباره خلقت انسان با تبیین مراحل چندانکه آن و نیز نفخ روح منسوب به خداوند در او، همگی نشان اهتمام دین به تعلیم علوم انسانی و غیرانسانی به جامعه بشری است.
بنابراین لازم است در تدوین متون درسی، اولاً آیه یا حدیث مناسب در آن موضوع عنوان شود؛ ثانیاً تفسیر کوتاهی از مجموع آیات مناسب و احادیث مرتبط ارائه گردد؛ ثالثاً تمام راه‌آورد تجربی در صورت رسیدن آن به نصاب لازم علمی به عنوان حجت دینی بازگو شود؛ رابعاً فضای محاوره علمی دانشگاه همانند فضای علمی حوزه به عنوان تبیین آیات الهی معطر گردد؛ خامساً معنای حجت دینی بودن عقل تجربی و غیرتجربی روشن شود که باید نضد سپهری و نظم زمینی همگی به اراده الهی مستند باشد -نه تکراری و ترجیع‌بند- و وجوب عمل طبق آن و حرمت کار بر خلاف جهت علم و تحقیق پذیرفته شود. در این حال، هم دانش دینی خواهد بود و هم دانشمند متدین می‌باشد.

روش پیشنهادی، در تبیین مطالب علمی دین نیز معتبر است

هرچند هدف نهایی علوم، معرفت پروردگار، محبت او و بندگی ساحت قدس ربوبی است، اما همه علوم مانند تمام اعمال می‌توانند صبغه دینی نیز داشته باشند و این مطلب مهم اختصاص به فقه و اصول ندارد؛ چنان که روش‌های عقلانی و عقلایی آن نیز مختص به آن دو رشته نیست. البته تعبدیات حکم خاص خود را دارند؛ یعنی اصل اجتهاد روشمندان، تفریع فروع از اصول و ارجاع فروع به آن‌ها و در نتیجه زندگی روزمره را دینی نمودن، هم میسر است و مأمور به.

شاگرد مسلمان فلسفی باشند و نگرش توحیدی به جهان، انسان، پیوند انسان و جهان و نیز پیوند اشیای جهان با یکدیگر، داشته باشند و در تدوین کتاب‌های درسی آنان این مطلب محور قرار گیرد، آنگاه هم اسلامی بودن علوم و هم مسلمان بودن مؤلف، مدرس و شاگرد تأمین خواهد شد. لازم است عنایت شود که اسلامی نمودن علوم مستلزم تحول در روش و تغییر در روابط عوارض موضوع و دگرگونی قضایای ایجابی به سلبی و به عکس نیست تا پرسیده شود که اسلامی شدن چه تأثیری در علوم دارد؛ بلکه آنچه هم‌اکنون مصادره شده، به صاحب اصلی آن برمی‌گردد و این ارجاع میمون مسؤولیت‌های فراوانی به همراه دارد که پیشتر وجود نداشت، و سعادت ابدی را تضمین می‌نماید که سابقه نداشت. در فلسفه مطلق نیز چنین است؛ یعنی اگر جهان‌بینی الحادی به الهی می‌ڈل شد، ساختار جهان عوض نمی‌شود؛ لیکن جهانی که در غصب و غارت الحاد است، به

صاحب اصلی و توحیدی خود بازمی‌گردد و به همراه آن مسؤولیت‌ها معلوم و سعادت‌ها تأمین می‌شود.

شاید ابهام مطلب در اسلامی شدن علوم مایه انکار یا تحاشی از آن می‌شود یا شاید عقل را که در برابر نقل است، مقابل شرع قرار دادن، زمینه چنین نگرشی و دغدغهای را فراهم کرده باشد و شاید دلیل عقلی را بشری تلقی کردن و تفکر اصالت انسانی و مانند آن، دسیسه چنین غائله‌ای را به پا کرده است و شاید...

مهم‌ترین عنصر حلّ مسأله (اسلامی نمودن علوم) داشتن تصویر صحیح از آن است. ارزیابی موجودات جهان بدون اطلاع از آغاز و انجام آن سرنوشتی جز علم سکولار نخواهد داشت؛ حتی اگر -معاذالله- قرآن حکیم که کتاب تدوینی پروردگار است، آیات مربوط به انزال و تنزیل آن حذف شود، آن‌گاه به تفسیر مطالب ادبی، تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آن پرداخته شود، نتیجه‌ای جز این نخواهد داشت که: ۱. تفسیر قرآن اسلامی نیست؛ ۲. ادبیات الهی نیست؛ ۳. علم جامعه‌شناسی... که همگی از آموزه‌های قرآنی‌اند، هیچ کدام اسلامی نخواهند بود. عده‌ای کتاب تکوینی خداوند، یعنی جهان آفرینش را چنین مثله کرده‌اند: آن‌گاه در الهی بودن پاره‌ای از آن تردید می‌کنند.

مطالب قرآن و حدیث درباره نظام آفرینش، قابل تحقیق و تحلیل علمی است

روش اجتهاد اسلامی همان است که در فنّ اصول فقه بیان شد و حجیت منابع معرفتی آن عقلی و نقلی است و اعتبار آن أدله گاهی امضایی و زمانی تأسیسی است؛ به لحاظ اختلاف همان أدله، همین روش در علوم تجربی و غیرتجربی مطرح است. مثلاً آنچه درباره آفرینش آسمان‌ها و زمین و مطالب فراوانی که در پیرامون آن مطرح شده، در همین راستا است: ۱. آسمان‌ها و زمین بدیع و نوظهورند «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ». (بقره، ۱۱۷؛ انعام، ۱۰۱) ۲. آسمان‌ها و زمین در آغاز پیدایش و آفرینش خود به هم بسته و رتق بودند و خداوندی که اول آن‌ها را به هم بسته پدید آورد، آن‌ها را از هم جدا و فتق کرد: «أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا». (انبیاء، ۳۰) ۳. آسمان‌ها و زمین را در شش روز (مرحله، تطور، ...) آفرید. (ق، ۳۸) ۴. آسمان‌ها را در دو روز آفرید.